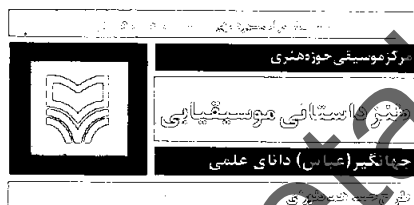


طنز داستانی موسیقایی

جهانگیر (عباس) دانای علمی



www.ketab.ir



چاپ و صحافی: شرکت انتشارات (مهرهای عام)

چاپ اول: ۱۳۸۹

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۰۶-۹۷۶-۴

قیمت: ۱۹۰۰ تومان

این کتاب به عنوان یکی از آثار ارزشمند و نادر در زمینه موسیقی و تاریخ ایران و منطقه، به دست شما می‌رسد. این کتاب به زبان فارسی و به صورت چاپی و دیجیتال در دسترس شما قرار می‌گیرد.

سرشناسه: دانای علمی، جهانگیر، ۱۳۳۶-

عنوان و نام پدیدآور: طنز داستانی موسیقایی / جهانگیر (غاسم)
دانای علمی.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۱۲۲ ص.

ISBN: 978 - 964 - 506 - 976 - 4

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۲۲.

موضوع: داستان‌های طنزآمیز فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: موسیقی -- لطیفه، طنز و هجو

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹: ط ۹۱۸۶۶۲ الف / PIRA۰۴۱

رده بندی دیویی: ۸۷/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۵۵۶۳۹

این کتاب به عنوان یکی از آثار ارزشمند و نادر در زمینه موسیقی و تاریخ ایران و منطقه، به دست شما می‌رسد. این کتاب به زبان فارسی و به صورت چاپی و دیجیتال در دسترس شما قرار می‌گیرد.

- ۰.۷ پیش درآمد
- ۰.۱۱ پیشگفتار
- ۰. مجلس ختم ابوی حاج آقا محسن
- ۰.۱۹ و آهنگ بادا بادا مبارک بادا
- ۰. تنبک، تالاق تلوق، تالاپ تولوپ
- ۰.۲۵ و ریز پلنگ پلنگی
- ۰. ووز موسیقی ملی با ارگ بم
- ۰.۳۵ و ارگ کریم خان
- ۰. ایرانی آهنگ ایرانی بلد نیست
- ۰.۴۳ خارجی باید آن را بنوازد
- ۰.۵۱ از مسلم خوانی بیات زند تا...
- ۰.۶۱ موسیقی تلفیقی دکتر کیلویی ویدک کش مارا
- ۰.۶۷ سیاره زهره و موسیقی ما
- ۰.۷۱ نای هفت بند بشکند اما کلاه
- ۰.۷۹ کارت دعوت میرزا عبدالله کجاست؟
- ۰.۸۹ موسیقی درمانی با طبل و سنج و تبیره
- ۱۰.۵ از اوستایی تا استادی
- ۰. منابعی که در نوشتن طنز موسیقایی
- ۱۱۹ از آن‌ها استفاده شده است

پیش در آمد

هنگامی که به سال ۱۳۸۱، دوره تازه ماهنامه مقام موسیقایی (به سردبیری رضا مهدوی) با اندیشه‌ها و انگیزه‌هایی جدید به راه افتاد، راه‌هایی برای نویسندگان تازه‌پا گشوده شد که تا پیش از آن، نه تنها در هیچ کدام از مجلات مخصوص موسیقی، بلکه در سایر مجلات فرهنگی - هنری کشور نیز تصور نمی‌رفت که بتوان چنین باب‌هایی را باز کرد و مهم‌تر، تداوم آن را نیز تأمین ساخت. اما این کار به هر حال در حد همت خود و وسعت نظر دیگران، راهی مشخص را رفت و راه‌هایی را برای دیگران نیز باز کرد. با توجه به دوره پنج ساله انتشار مرتب ماهنامه مقام موسیقایی (دوره تازه: ۱۳۸۱ - ۱۳۸۶)، می‌توان ادعا کرد که این ماهنامه، پیشگام در سفارش و انتشار مطالب طنز با مایه موسیقایی بوده است. در اینجا باید از هنرمندان اهل قلم که با لطف و بلند نظری، با ارسال یک یا چند مطلب، شماره‌های اول ماهنامه را زینت بخشیدند یاد شود؛ سهیل داداشی، رامتین همایون، بهمن سمیعی و... (که البته این نام‌ها مستعار است و نام اصلی محفوظ خواهد ماند).

اما در این میان، دوست هم‌قلم و خستگی‌ناپذیر ما، آقای جهانگیر (عباس) دانای علمی بود که با آینده‌ای از صداقت حرفه‌ای و باور کامل و طنزنویس بودن خویش، برای اکثر شماره‌های ماهنامه مقام موسیقایی، مطلب تهیه می‌کرد و به تدریج، تبدیل به نویسنده تمام وقت مطالب طنز و فکاهی برای این نشریه شد. از آنجا که باب بحث آزاد و مبادل آراء، همواره برای اهالی «مقام» باز بوده و هست، تعیین این موضوع که مطالب آقای دانای علمی تا چه اندازه با معیارها و موازین طنزپردازی (و یا حوزه‌های مجاور آن نظیر هجو و فکاهه و...) دوری یا نزدیکی دارد، بر عهده کارآزمودگان و متخصصان این رشته در دفتر طنز حوزه هنری است. گر داندگان ماهنامه مقام موسیقایی، بر آن نبودند تا با معیارهایی خیلی فنی و دقیق، مشخص کنند که مطالب آقای دانای علمی تا چه اندازه طنز هست یا نیست، فقط معلوم شده بود که این نوشته‌ها، خوانندگان و خوانندگان قابل توجهی بین قشر میانسال به بالای طبقه متوسط جامعه اهل موسیقی دارند، و در محتوا نیز از خط قرمزهای تعریف شده مرکز موسیقی حوزه هنری، تخطی نمی‌کنند. یکی از اصول مورد نظر این مرکز و ارگان مطبوعاتی آن نیز از همان اول، جذب طبقه متوسط اجتماع و به مرور زمان خواص بود. تصمیم برای انتشار این نوشته‌ها به صورت کتاب نیز دنباله همان سیاست است.

لازم به تذکر است که افتتاح اولیه این موضوع در فرهنگ موسیقی ایران را از سیدعلیرضا میرعلی‌نقی داریم. اولین بار، او بود که موضوع مهم طنزپردازی در موسیقی (با کلام و بی‌کلام) را مطرح کرد و با سخنرانی در دانشگاه سوره (در زمان ریاست رضا مهدوی) و دفتر طنز حوزه هنری (در زمان ریاست ابوالفضل زرویی نصرآباد)، رهیافت‌ها و نکته‌بینی‌های دقیق علمی - هنری خود را با جماعت علاقمند در میان

گذاشت و نخستین مقاله بلند درباره طنز موسیقایی نیز در کنار دیگر مطالب از آن اوست (رهپویه هنر، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶).

به نظر گردانندگان بخش‌های علمی، هنری و فرهنگی مرکز موسیقی و ماهنامه مقام موسیقایی، طنزپردازی در عرصه موسیقی، یک سرگرمی و یا تفریح گذرا نیست، کاری است که قریحه هنرمندانه خاص خود را لازم دارد و می‌تواند حتی شعبه‌ای از نقد اجتماعی مسائل موسیقی کشور به حساب بیاید. همین طور کاریکاتور که قادر است احوالات درونی و خصوصیات انحصاری هنرمندان را طوری تصویر کند که حتی هنر عظیم و پیچیده عکاسی نیز از آن عاجز است. همه این‌ها بستگی دارد که کار، دست چه کسانی باشد و سطح فرهنگ مخاطبان در چه حدی باشد که بتوان از برآیند این دو گوشه چشمی به ارتقای دانش و فهم درست در جامعه اهل موسیقی کشور را داشت.

انتشارات سوره مهر و مرکز موسیقی حوزه هنری در راه تحقق برنامه‌ها و اهداف مطلوب خود که همانا الگوسازی در بستر فرهنگ صحیح و متکی بر اصول اعتقادی است، مصمم‌تر از گذشته حرکت می‌کند و در این مسیر دشوار، خود را همواره نیازمند صاحبان قلم و قریحه می‌داند. بدون شک تشویق به تحقیق و تألیف در چارچوب‌های پیشگفته می‌تواند نقشی به سزا در ارتقای کمی و کیفی فرهنگ والای موسیقی این مرز و بوم داشته باشد. پیش‌گامی انتشارات سوره مهر در چاپ و نشر نخستین مطالب مربوط به طنز موسیقایی، آن هم در شرایطی که این مقوله و مطالب مربوط بدان، حتی برای اکثریت موسیقی دانان ناشناخته است، نشان از چنین هدف و چنین راهی دارد که این قدم اول آن است.

انتشارات سوره مهر

پیشگفتار

درباره طنز و انواع آن کتاب‌های بسیاری به رشته تحریر درآمده است، اما به طنز موسیقایی کمتر پرداخته‌اند. در بعضی از مجلات مطالبی به گونه طنز درباره فلان خواننده یا نوازنده نوشته شده است که آن هم نوعی از طنز موسیقایی تلقی می‌شود. اما به نظر می‌رسد در این مورد باید بحث و بررسی فنی و علمی‌تری انجام شود، زیرا در رابطه با تعاریف طنز موسیقایی و طبقه‌بندی آن، چه در چهارچوب داستانی یا به صورت مقاله یا موارد دیگر، باید از طریق اهل فن کار به انجام برسد. قبل از اینکه درباره طنز موسیقایی مطلبی عنوان کنیم، لازم می‌دانیم ابتدا به طور مجمل راجع به موسیقی و طنز بنویسیم. به قول واگنر: «موسیقی ابتدا و انتهای زبان است. همان طوری که احساسات ابتدا و انتهای عقل است.» و یا عده‌ای درباره موسیقی چنین گویند که هیچ موسیقی بدون موضوع نیست. به دلیل اینکه منبع الهام موسیقی برای موسیقی‌دان یا نوازندگان از پدیده‌های طبیعی یا اطرافش مجزا نیست. به هر روی، درباره موسیقی و پیدایش آن مطالب و نظرات بسیاری بیان شده است. عده‌ای واژه موسیقی را در ارتباط با حضرت موسی^(ع)

دانسته‌اند، یعنی زمانی که به موسی^(ع) وحی نازل شد تا عصای خویش را بر سنگی بزند که به واسطه آن ضربه از آن سنگ دوازده چشمه جاری شد و آن آب‌ها با آهنگی خاص جریان یافتند و پس از آن به موسی ندا آمد: یا موسی قی! یعنی: ای موسی این آهنگ‌ها را حفظ کن! به همین جهت از آن زمان فن سرود و ترانه به موسیقی موسوم شد. (جیلدی، ۱۳۶۱، ص ۳۵)

بعضی آن را از ریشه لاتین muse، که برگرفته از فرشته هنر و دانش و الهه نغمه و سرود است، می‌دانند و یا موزیک را در ارتباط با موزها و رب النوع آن قلمداد کرده‌اند. عده‌ای آن را به پرندۀ ققنوس یا فیثاغورث و داستان معروف ریختم یک آهنگری روی سندان مربوط دانسته‌اند. در این زمینه مطالب فراوانی نوشته شده که هریک بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد. و اما درباره تعریف طنز یا ساتیر در بعضی از کتب یا مجلات مطالب متفاوتی عنوان شده است که به طور مجمل به شرح آن می‌پردازیم.

علامه دهخدا، با توجه به نوشته‌های گوناگون در لغت‌نامه خود، در این باره چنین آورده است: «طنز: فسوس کردن (منتهی‌الارب) (منتخب‌الغات)، افسوس داشتن (زوزنی)، افسوس کردن (تاج‌المصادر)، طعنه (غیاث‌اللغات)، سخریه و بر کسی خندیدن، عیب کردن، لقب دادن، سخن به رمز گفتن و...» (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۳۷۰-۱)

وی در مورد واژه «طنز کردن»، نوشته است: «طعنه زدن، عیب‌جویی و تمسخر کردن.» (همان). درباره «طناز» هم چنین عنوان کرده: «فسوس دارنده، افسونگر، که سخریه کند، که دست اندازد، بسیار سخن به رموز گویند.» (همان، ص ۱۳۶۹۸)

دکتر معین در تعریف «طنز» می‌نویسد: «فسوس کردن، مسخره کردن، طعنه زدن، سرزنش کردن، سخره، طعنه و سرزنش کردن.» (معین، ۱۳۸۲،

ص ۱۵۷۶) وی همچنین درباره «طنز کردن» چنین نوشته: «تمسخر کردن، طعنه زدن و سرزنش کردن.» (همان)

در فرهنگ روز سخن چنین آمده است: «طنز شیوه بیان ادبی اعم از شعر و نثر که در آن عیب‌های فردی و اجتماعی مورد تمسخر قرار می‌گیرد و هدف آن اصلاح رفتارهای بشری است. سخن طعنه‌آمیز یا تمسخرآمیز.» (انوری، ۱۳۸۳، ص ۸۰۷)

یان جک می‌نویسد: «طنز زائیده غریزه اعتراض است: اعتراضی که به هنر تبدیل می‌شود.» (پلارد، ۱۳۷۸، ص ۱۲). پلارد طنز را اساساً سبکی اجتماعی دانسته و بر آن عقیده است که مقولات اجتماعی در آن نمی‌گنجد. (همان)

عمران صلاحی درباره آن می‌گوید: «هجوی است از روی غرض اجتماعی. (صلاحی، ۱۳۷۶، مقدمه). تعریف دیگر او در این باره چنین است: «عیب‌ها، نقص‌ها به منظور تحقیر و تنبیه از روی غرض اجتماعی و آن تکمیل یافته هجو است.» (همان)

دکتر بهزادی اندوهج‌ردی نوشته است: «طنز را می‌توان انتقاد و نکته‌جویی آمیخته به ریشخند تعریف کرد.» (بهزادی، ۱۳۷۸، ص ۶) وی همچنین طنز را آینه حقیقت دانسته، زیرا نابسامانی‌های موجود در آن منعکس می‌شود. (همان، ص ۴۱)

به هر روی، طنزنویس هیچ‌گاه ستایش افراد را مد نظر خویش قرار نمی‌دهد، بلکه سعی او بر این است تا باد افراد متکبر و پرادعا و از خود راضی را بخواباند. طنز همچون آینه‌ای است که به‌صراحت بعضی نادیده‌ها را عیان می‌کند تا فرد یا افراد متوجه عیب خویش شوند. طنز در آغاز شنونده یا بیننده یا خواننده را به خنده وامی‌دارد، ولی هدف آن تنها خندانیدن نیست. بلکه قبل از اینکه تبسم از چهره

فرد محو شود، وجدان و خرد شنونده یا خواننده را از عمق سیاهی‌ها به روشنایی‌ها می‌کشاند، زیرا هدف آن آگاهی و به تقد کشاندن است. در کل، طنز، برخلاف هجو، در پی نابودی و حتی هتاک‌ی نیست. بلکه بیان آن با نوعی شرم و وقار و متانت همراه است که مطالب آن زیر لفافه‌ای از استعاره و ایهام و کنایه بیان می‌شود. نظر گوگول، طنزپرداز معروف روسی و نویسنده کتاب تاراس بولبا، چنین است: «شما در طنز به خودتان می‌خندید. طنزپرداز، منش‌های نیک را در شما بیدار می‌کند و آن بر منش بد و رذیله‌ها شما می‌خندد.» (بهزادی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۷)

باز هم طنز نقاب یا صورتکی است از خنده بر چهره‌ای گریان و چه زیبا سعدی بزرگ در این رابطه سروده:

نه هر که زمان کار او بر بندد
 فریاد و فغان بر آسمان پیوندد
 بسیار کسان که اندرونش چون رعد
 می‌نالد و چون برق لبش می‌خندد

پلارد بذله‌گویی را به قمه و پر خاش را به تازیانه تشبیه کرده است. وی بذله‌گویی را به آن شمشیرزن حرفه‌ای مثال زده که به یک ضربه شمشیر به صورت غیر منتظره زخم می‌زند که آن را با همه ظرافت و سرعت و انعطاف انجام می‌دهد. (همان، ص ۸۹)

استاد شفیع کدکنی طنز را از منظر دیگری مطرح کرده و در نوع خود بی‌نظیر است. وی درباره آن چنین می‌نویسد: «طنز یعنی تصویر هنری اجتماع نقیضین و ضدین.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴، ص ۳۹). او پس از بیان مثال‌های گوناگون، مطلبی را به نقل از حکیم سنایی، مرتبط با تعریف خود، آورده است: «مردی در تموز گرم نیشابور یخ می‌فروخت و کسی خریدارش نبود. او می‌گریست و می‌گفت: نخریدند و تمام شد یا بسی‌مان نماند و کسی نخرید» (همان، ص ۴۰). که این حکایت اوج

فاجعه و طنزی تلخ را نشان می‌دهد. به هر روی، به کسانی که فقط خویشتن را می‌بینند و به خود غره می‌شوند باید گفت:
 بر خود بلرز و رنگ از چهره بیاز
 چو تازیانه قهار طنز به چرخش درآید

اکنون، با توجه به تعاریفی که درباره واژه موسیقی و طنز نوشتیم، به طور مجمل درباره طنز موسیقایی هم توضیحاتی می‌دهیم. به نظر نگارنده نوشتن طنز موسیقایی نباید از مسائل اجتماعی جدا باشد، زیرا با گذشت سال‌ها بعضی از آهنگ‌ها و نغمه‌ها چه در کشور عزیزمان و چه در کشورهای دیگر، از مسائل روز و اجتماع جدا نبوده است. چنان‌که از گذشته‌های دور آهنگی به جای هزاران لشکر در زمان و مکان خاصی تأثیر داشته است که نمونه آن بسیار است. بنابراین، موسیقی زبان هنرمندی بوده که ساز را در دست می‌گرفته و با توجه به تحولات اوضاع زمانه خویش آن را می‌نواخته که اثر آن پس از گذشت سال‌های متمادی همچنان بر جای مانده است. پس نباید هر سازی را فقط به عنوان یک شیء که تاریخ مصرف دارد قلمداد کنیم. بنابراین، برای نوشتن درباره آن و حتی درباره طنز باید دقت کافی و وافی مدنظر قرار گیرد.

برای نوشتن طنز موسیقایی، علاوه بر دانستن ادبیات طنز و مسائل اجتماعی و تاریخ موسیقی، باید تا حدودی از اسطوره‌ها و حتی فرهنگ عامه آگاه بود. چون بررسی بعضی سازهای موسیقی نشان می‌دهد که آن‌ها پیوند تنگاتنگی با اسطوره‌های هر سرزمین دارد. البته به کار بردن بعضی از نمادها و باورها در چهارچوب طنز داستانی موسیقایی، چنان آسان به نظر نمی‌آید، اما می‌توان با مطالعات و بررسی‌های بیشتر به این امر مهم دست یافت.

نگارنده در یکی از داستان‌های طنز موسیقایی به نام «موسیقی تلفیقی و دکتر کیلویی» سعی کردم از دانسته‌های خویش برای نوشتن

این گونه طنز استفاده کنم. در نوشتن موضوعات دیگر نیز کوشش کردم تا اطلاعات تاریخی و موسیقایی و بعضی از واژه‌های تخصصی را، که برگرفته از فرهنگ‌نامه‌ها یا مجلات تخصصی موسیقی بود، به گونه‌ای در قالب داستان یا گفت‌وگو بنویسم تا درک‌پذیر باشد. چنان‌که در طنز «ارگ بم» بیشتر واژه‌ها و مطالب آن از مقاله‌های تاریخی و همچنین تحقیقات موسیقی گرفته شده است. چنین ایده‌ای باعث گردید تا در طنزهای دیگر آن را به کار ببرم که ذکر هریک از آن‌ها صفحاتی بیشتر و فرصتی دیگر را می‌طلبد.

موضوع دیگری که در این گونه طنزها از آن استفاده کردم آگاهی‌هایی بود که در طی تحقیقات فرهنگ عامه درباره طنز و هجو روستاییان کسب کرده بودم، زیرا اعتقاد دارم که تحقیقات میدانی راجع به آداب و رسوم، شعرها و آهنگ‌های مردم هر ناحیه می‌تواند تجربه گران‌سنگی در مسائل نویسندگی، بخصوص داستان‌نویسی و طنز، باشد. نگارنده بخشی از تحقیقات میدانی خویش را به موضوع طنز در اشعار روستاییان غرب مازندران اختصاص دادم که قسمتی از آن‌ها در مجلات مختلف به چاپ رسیده است. به هر روی، به نظر می‌رسد این نوع تجربه نوشتن در قالب داستان، طنز و موسیقی، مراحل اولیه خود را سپری می‌کند و نمی‌دانم چقدر پذیرفتنی خواهد بود. اما امیدوارم به مرور زمان به کمک دیگر نویسندگان صاحب ذوق و علم جایی را در عرصه فرهنگ و ادب باز کند.

منابع پیشگفتار

- انوری، حسن (۱۲۸۳). فرهنگ روز سخن. تهران، سخن.
- بهزادی اندوهجردی، حسین (۱۳۷۸). طنز آوران و طنزپردازی در ایران، تهران، صدوق.
- پلارد، آرتور (۱۳۷۸). طنز، ترجمه سعید سعیدپور، تهران، مرکز.
- جنیدی، فریدون (۱۳۶۱). زمینه شناخت موسیقی ایرانی، تهران، پارت.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴). «طنز و حافظ»، ماهنامه حافظ، ش ۱۲.
- صلاحی، عمران (۱۳۷۶). طنز و طنز آوران ایران، تهران، مروارید.
- معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی، ج دوم، تهران، انتشارات بهزاد و ناهید آقامیرزایی.